



# شاگرد یادگیرنده و ارزشیابی

دربار دارد که انسان‌ها متفاوت‌اند و روش مناسب یاد گرفتن نیز برای هر یک فرق می‌کند. ضمناً درک جزئیات با درک کل متفاوت است. درک کل باعث کشف جزئیات می‌شود، ولی درک جزئیات ممکن است الزاماً به درک کل به عنوان حقیقتی یکپارچه منجر نشود. در این شیوه از آموزش، مسائل آموزشی به صورت «مسئله» ارائه می‌شود. مثلاً: «اگر بخواهیم یک میلیون کلمه بخوانیم، چند صفحه از روزنامه همشهری را باید بخوانیم؟».

این مسئله باید حل شود. هر دانش‌آموزی آن را از راهی حل می‌کند. در این فرایند احتمالاً مهارت‌های تقسیم‌کردن، تخمین زدن، و... بهبود می‌یابند و فرد درک ملموسی هم از یک میلیون پیدا می‌کند.

نگاه کل به جزء در آموزش، داستان مفصلی است. کتاب‌های فعلی دبستانی، با این نگاه جدید تدوین شده‌اند. به این ترتیب که کودک ابتدا کلمه را به عنوان یک کل می‌آموزد و به تدریج به درک و کشف جزئیات یعنی حروف نائل می‌شود. در این اصل، به اتفاقاتی که براساس آن باید در کلاس بیفتند یا نیفتند، اشاره نمی‌شود، زیرا این بحث تا حدی فنی است و این نوشتار عمدتاً روی نگرش‌ها تأکید دارد.

اصل دیگر نگاه جدیدی به ارزش‌یابی است. از آن‌جا که در نگاه جدید به انسان، او قابل اعتماد است، در این مورد هم، ارزش‌یابی به فرد سپرده می‌شود. این امر می‌تواند بدین صورت به شکل یک اصل بیان شود: **بهترین ارزیابی از یادگیری، یادگیرنده است.** از آن‌جا که در این نگاه و روش جدید، یادگیرنده براساس انگیزه درونی خود یاد می‌گیرد، ارزیابی آن‌چه یاد گرفته نیز به عهده خود اوست. ممکن است برخی آزمون‌ها حتی به شکل معمول در مدرسه صورت بگیرد، ولی مهم این است که برای درک بهتر میزان یادگیری، کمکی به یادگیرنده تلقی شود، نه ابزاری برای قضاوت دیگران، تشویق یا تنبیه، مقایسه و...

کلیدواژه‌ها: تفاوت‌های فردی، ارزیابی، یادگیری.

از دو شماره پیش تاکنون تلاش شد براساس نگاهی که به نظر می‌رسد با فرهنگ و فلسفه ما تطبیق بیشتری دارد، به تدوین اصولی در آموزش پرداخته شود. تا این‌جا اصولی تدوین شده است که اگر به آن‌ها عمل شود، تغییرات زیادی را در نظام کنونی ایجاد می‌کند. در این شماره نیز چند اصل را می‌آوریم و در پایان، مجموعه اصول به دست آمده را برای مرور فهرست می‌کنیم.

یکی از اصول جاری که از نگاه پیشین به دست می‌آمد، تعیین اهداف آموزشی، تبدیل آن به اهداف رفتاری و استفاده از محرک‌های مناسب برای آموزش آن بود. اگر این نگاه را که انسان تنها با محرک و پاسخ یاد می‌گیرد، کنار بگذاریم و انسان را موجودی کامل‌تر از ماشین در نظر بگیریم، می‌توان اصل «تبدیل هدف آموزشی به جزئیات قابل اندازه‌گیری و آموزش اهداف جزئی با به کار بردن محرک و پاسخ‌های مناسب» را کنار گذاشت. این که چه جای‌گزینی برای این اصل بیابیم، موضوعی است تا حدی فنی. از آن‌جا که در این مجموعه نوشته‌ها، به دنبال کشف اصول جدید صرفاً براساس نگاهی تازه به انسان هستیم نه ارائه اصول آموزشی تئوری‌های موجود و نوشته شده، می‌توان به ذهن اجازه داد براساس نگاه جدید، اصلی را جای‌گزین کند.

اصل می‌تواند این باشد: موضوعات آموزشی می‌توانند به عنوان مسئله‌ای کلی به یادگیرنده ارائه شوند تا فرد براساس شیوه مناسب خود، آن را بیاموزد. این اصل در واقع این حقیقت را



| موضوع                | سال ارزش‌یابی | سال تحصیلی | رتبه ایران | تعداد کشورهای شرکت‌کننده | میانگین امتیاز جهانی | امتیاز ایران |
|----------------------|---------------|------------|------------|--------------------------|----------------------|--------------|
| علوم <sup>۳</sup>    | ۱۹۹۹          | ۸          | ۳۲         | ۴۴                       | ۴۴۸                  | ۴۸۸          |
| ریاضیات <sup>۵</sup> | ۱۹۹۹          | ۸          | ۳۴         | ۳۹                       | ۴۸۷                  | ۴۲۲          |
| خواندن               | ۲۰۰۱          | ۴          | ۳۲         | ۳۵                       | ۵۰۰                  | ۴۱۴          |
| ریاضیات              | ۲۰۰۳          | ۸          | ۳۴         | ۴۶                       | ۴۶۷                  | ۴۱۱          |
| ریاضیات              | ۲۰۰۳          | ۴          | ۲۳         | ۲۶                       | ۴۹۵                  | ۳۸۹          |
| علوم                 | ۲۰۰۳          | ۴          | ۲۲         | ۳۰                       | ۴۸۹                  | ۴۱۴          |
| علوم                 | ۲۰۰۳          | ۸          | ۲۲         | ۲۵                       | ۴۸۹                  | ۴۱۴          |

شاید برای خواننده جالب باشد که بدانند در بسیاری از نظام‌های رسمی دنیا مانند انگلیس و حتی کشورهای در حال توسعه‌ای مانند مالزی، با این که نظام‌های آموزشی بسیار رسمی است و پایه‌های تحصیلی، دروس، تدریس، کتاب و آزمون‌های پایانی کاملاً رسمی و معمولی دارند، ولی اولاً نتایج به صورت طبقه‌بندی شده  $F, \dots, B, A$  داده می‌شود و ثانیاً هیچ فردی در هیچ پایه‌ای و با هر نتیجه‌ای، مردود نمی‌شود. حتی درسی خاص هم تکرار نمی‌شود، مگر با توصیه معلم و موافقت ولی دانش‌آموز. بنابراین، دانش‌آموز با هر نتیجه‌ای به پایه بالاتر می‌رود. تنها در پایان سال نهم است که براساس نتایج آزمون‌ها، ممکن است تا حدی انتخاب رشته محدود شود؛ برخی نتایج، امکان ادامه تحصیل در رشته‌های خاصی را میسر نمی‌سازند. در پایان دوره متوسطه هم براساس نتایج دوره تحصیلی، بدون کنکور، انتخاب‌های متناسبی برای رشته‌ها و دانشگاه‌ها خواهند داشت.

این بدان معنی است که اگرچه مؤسسات جامعه، شامل مؤسسات آموزش عالی یا مؤسسات شغلی، برای انتخاب دانشجو یا کارمند می‌توانند و باید شرایطی را بگذارند، ولی نظام آموزشی از ابتدا و در طول تحصیل، با ارزش‌یابی‌های آزردهنده، به دنبال تصمیم‌گیری به جای یادگیرنده نیست. این یادگیرنده با همراهی خانواده است که باید براساس هدف خود، برای آینده برنامه‌ریزی کند و تصمیم بگیرد. این جمله آشنا را در این جا به کار نمی‌برند: «اگر به بچه واگذار کنیم، او مصلحت خود را تشخیص نمی‌دهد و آینده خود را خراب می‌کند»

برای آن که خوانندگان ما با بیان این جمله که: «به دلیل همین نظام ارزیابی است که مالزی آموزش و پرورش ضعیف‌تر از ما دارد»، به دنبال راه‌حلی برای نجات تفکرات قدیمی خود نباشند لازم است یادآوری شود، مالزی نه تنها اکنون پس از دو دهه از آغاز پیشرفت، جزو کشورهای توسعه‌یافته قرار گرفته است، بلکه براساس نتایج رسمی آزمون‌های بین‌المللی تیمز<sup>۲</sup> و پرلز<sup>۳</sup> در طول ۲۰ سال گذشته، همواره نتایجی بالاتر از میانگین جهانی داشته و ایران همواره پایین‌ترین میانگین و جزو چند کشور آخر بوده است. آزمون تیمز از طرف سازمانی بین‌المللی، در کشورهای داوطلب براساس نمونه‌گیری اتفاقی و در پایه‌های سوم ابتدایی و دوم راهنمایی برگزار می‌شود. آزمون پرلز هم مشابه آن، در موضوع خواندن و درک مطلب زبان بومی، برگزار می‌شود.

نتایج آزمون‌های تیمز و پرلز در ایران، در جدول خلاصه شده است. برای تکمیل این اصل لازم است اصل دیگری اضافه کرد و آن این که **ارزیابی، روشی برای آموزش و بخشی از آن است**، در نگاه‌های جدید، به جای ارزیابی برای اندازه‌گیری میزان آموخته شده و تصمیم‌گیری برای یادگیرنده، عملاً ارزیابی با آموزش آمیخته و بخشی از آن شده است. در این نگاه، تاکید بر اندازه‌گیری‌های کمی در قالب آزمون‌های تراکمی، جای خود را به ارائه یافته‌ها در قالب‌های متفاوت می‌دهد. آزمون‌ها بدون آن که عاملی برای فشار بر دانش‌آموز باشند و باعث توییح، جرمه و محرومیت او از مزایایی شوند، بدون قضاوت در اختیار دانش‌آموز قرار می‌گیرند تا او خود را در آینده ببیند و هر تصمیمی لازم می‌بیند، بگیرد. بنابراین، با اجرای این اصل، مواردی همانند موارد زیر در مدرسه رخ می‌دهد/ نمی‌دهد:

۱. آزمون‌های تستی برگزار نمی‌شود.
۲. آزمون‌های دانش‌محور انجام نمی‌شود.
۳. آزمون‌های متمرکز برای ارتقا به پایه بالاتر انجام نمی‌شود.
۴. آزمون‌های معمول نیم‌سال که به نمرات صفر تا بیست منجر می‌شود و در قالب کارنامه ارائه می‌شود، برگزار نمی‌شود.
۵. دانش‌آموزان آن چه را می‌آموزند، به صورت ppt، ساخت‌وساز توضیح کتبی، نقاشی، نمودار، نمایش و غیره ارائه می‌دهند.
۶. در برخی دروس مسائلی در قالب مسائل باز که با جست‌وجو در منابع باید حل شود، به آن‌ها ارائه می‌شود.
۷. در برخی دروس، برای شناخت میزان یادگیری دانش‌آموزان، آزمون‌هایی به آن‌ها داده می‌شود که نقش دیگری ندارد.
- در پایان، اصول تدوین شده در نگاه جدید، در شماره‌های گذشته تاکنون، فهرست شده‌اند:
  ۱. خود را از مقام مسئول آموزش کودکان بودن خلع کنیم.
  ۲. معلم بسیار مهم است، ولی نباید در آموزش نقش پررنگی داشته باشد. در عوض در ایجاد زمینه برای یادگیری، نقش زیادی دارد.
  ۳. هر بچه‌ای با توجه به نیاز و شرایط خاص خود یاد می‌گیرد.
  ۴. آموزش‌ها باید تمرین تفکر را مهیا کنند، نه آن که صرفاً دانش‌های آماده را به افراد بدهند.
  ۵. باید از الگودهی، الگوپذیر کردن و دنباله‌رو کردن بچه‌ها پرهیز شود. در عوض آن‌ها را به انتخاب آزادانه بر مبنای تشخیص خود و رها شدن از دنباله‌روی احساسی تشویق کرد.
  ۶. موضوعات آموزشی می‌توانند به عنوان مسئله‌ای کلی به یادگیرنده ارائه شوند تا فرد براساس شیوه مناسب خود، آن را بیاموزد.
  ۷. بهترین ارزیابی از یادگیری، یادگیرنده است.
  ۸. ارزیابی روشی برای آموزش و بخشی از آن است.

#### پی‌نوشت

۱. کشور مالزی به تازگی جزو کشورهای توسعه‌یافته قرار گرفته است.
۲. مراجعه کنید به:

<http://rie.ir/index.aspx?siteid=75&pageid=324>  
<http://nces.ed.gov/timss>  
<http://timss.bc.edu/pirls2006/index.html>

۳. تنها ۲ درصد از شرکت‌کنندگان ایرانی جزو ۱۰ درصد بالاترین امتیازها بوده‌اند و تنها ۹ درصد جزو ۲۵ درصد بالاترین‌ها بوده‌اند.
۴. تنها ۱ درصد از شرکت‌کنندگان ایرانی جزو ۱۰ درصد بالاترین امتیازها بوده‌اند و تنها ۵ درصد جزو ۲۵ درصد بالاترین‌ها بوده‌اند.



**بهترین ارزیابی از یادگیری، یادگیرنده است**

**آموزش‌ها باید تمرین تفکر را مهیا کنند، نه آن که صرفاً دانش‌های آماده را به افراد بدهند**